

در جست‌وجوی تشیع بازتفسیر نشده

مروری بر رساله «راهنمای ربانی در شیعه‌ی آغازین»، نوشته دکتر محمدعلی امیرمعزی



محمد ایزدی

دانشجوی اسلام‌شناسی دانشسرای مطالعات عالی پاریس

۳

برخی کتاب‌ها از نشانمان آغاز می‌شوند و تفسیر واژه یا واژگان آن مشروط به رویکرد کلی نویسنده در متن کتاب است. «راهنمای ربانی در شیعه‌ی آغازین» منابع باطنی‌گری در اسلام» برگردان مناسبی برای عنوان فرانسوی کتاب^۱ با تأکید بر معنای دوگانه‌ی واژه‌ی original در زبان فرانسه نیست (هم آغازین و هم اصل). همان‌گونه که دیوید استریت^۲ مترجم انگلیسی کتاب نیز معنای ادواری واژه‌ی فرانسوی را در نظر داشته و عبارت Early Shi'ism را به کار برده است، هرچند در زبان انگلیسی، واژه‌ی original می‌تواند این ظرافت معنایی را منتقل کند. به هر ترتیب، متن کتاب به ما می‌گوید مقصود از «شیعه‌ی آغازین»، در واقع، شیعه‌ی امامیه‌ی پیشاکلامی مبتنی بر آموزه‌های امامان معصوم است نه شیعه‌ی بازتفسیرشده توسط متکلمان، عارفان و فیلسوفان غیرمعصوم شیعه در سده‌های بعد. پروفیسور امیرمعزی تأکید می‌کند اگر آموزه‌های محدثان شیعه، یعنی خود امامان معصوم را نفهمیم در فهم تاریخ شیعه و پیامدهای پسینی تحولات درونی شیعه دچار فهم نادرست می‌شویم. کتاب «راهنمای ربانی در شیعه‌ی آغازین» از این چشم‌انداز، به‌عنوان نخستین کتاب مهم محمدعلی امیرمعزی، نقطه‌ی عطفی در پژوهش‌های پیرامون مکتب امامیه و البته صدر اسلام (L'Islam ancien) و نیز پژوهش‌های قرآنی (بخش «ملاحظات درباری قرآن کامل» در فصل دوم کتاب) به‌شمار می‌رود.

گفتار در روش امام‌شناسی

کتاب با یک پیشگفتار مهم آغاز می‌شود که در واقع به‌همراه فصل اول نوعی «گفتار در روش» آقای امیرمعزی در تمامی آثارش است. در پیشگفتار چهار شیوه از شیعه‌پژوهی، به‌ویژه در زمینه‌ی امامیه، موضوع انتقاد نویسنده واقع می‌شود. به جزئیات این پژوهش‌ها اشاره نشده است، زیرا به نظر می‌رسد آقای امیرمعزی قصد ندارد اثری پولمیک ارائه کند و صرفاً هدف این است که روش مطلوب نویسنده ارائه شود. دسته‌ی نخست، آثاری هستند که «کلی‌نگر» اند و بیشتر بعد از رویدادهای معاصر ایران و لبنان درباری تاریخ شیعه منتشر شده‌اند. اشکال عمده‌ی این قبیل پژوهش‌ها، به‌زعم نگارنده‌ی کتاب، بی‌توجهی به دوره‌های تکوینی شیعه از آغاز تاکنون است. دسته‌ی دوم، آثاری هستند که بیش از اندازه «تحلیلی» و موردی‌اند و کلیت مکتب شیعه را، به‌ویژه پیوندش با تعالیم ائمه‌ی معصوم، از نظر دور می‌دارند. دسته‌ی سوم به پژوهش‌هایی با روش‌شناسی ظاهرگرایانه اختصاص دارند که صرفاً متن‌های فقهی-کلامی یا دینی-سیاسی را پوشش می‌دهند. دسته‌ی چهارم، پژوهش‌های بیش از حد فلسفی‌اند، کارهایی عمدتاً بر اساس یک نظریه‌ی عام فلسفی، بیرون از تاریخ و تقلیل‌گرایانه که از جنبه‌های غیرعقلانی مکتب شیعه نیز غفلند.

در بخش اصلی کتاب، یک درآمد و سه بخش وجود دارد. در بخش «درآمد» که فصلی جداگانه است، پژوهشگر روش‌شناسی و منبع‌شناسی خود را همراه با توضیح برخی مبانی مفهومی از جمله «عقل» و «باطن-ظاهر» ارائه می‌کند. در نخستین گام، دکتر امیرمعزی به‌معنای ویژه «عقل» در مجموعه احادیث امامیه در آثار متقدم حدیث می‌پردازد و تصریح می‌کند که عقلاتی بودن تعالیم امامان شیعه معادل «استدلالی» یا دیالکتیکی بودن آنها در عقل‌گرایی کلامی متاخر نیست. برای نمونه، به فصل آغازین «العقل و الجهل» در بخش اعتقادی کتاب پایه‌ی محمد بن یعقوب کلینی، «الأصول من الکافی» و اهمیت آن در این موضوع اشاره شده است. در ادامه، چهار وجه عقل در احادیث شیعه از یکدیگر تفکیک شده‌اند: وجه هستی‌شناختی یا جهان‌شناختی که بیانگر موجودیت کیهانی عقل به‌عنوان نخستین مخلوق خداوند است؛ وجه اخلاقی-معرفت‌شناختی که تنها به‌واسطه‌ی «علم» کسب می‌شود و خود نیز وسیله‌ی کسب علم است؛ وجه معنوی یا روحانی که به‌عنوان قوه‌ی فهم امر لوهی در احادیث شیعه آمده است؛ و وجه نجات‌شناختی که با

غیبت و قیامت در اندیشه‌ی شیعه‌ی امامیه پیوند دارد. به‌هر ترتیب، نویسنده نسبت به فهم یونانی-عربی از معنای «عقل» در شیعه هشدار می‌دهد، آنچه با روش کلامی به‌ویژه معتزله از اوایل سده‌ی سوم هجری در اندیشه‌ی اسلامی وارد شد. نخستین متکلم بزرگ شیعه که به تأثیر از جدل‌های کلامی عقل‌گرایان معنای دیالکتیکی عقل را اتخاذ کرد شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ هـ) بود. شیخ مفید هرچند در برخی تعاریف خود به معنای عقل نزد امامان وفادار است، اما به‌نظر می‌رسد برای بحث با متکلمان معتزله تعاریف آنها را نیز پذیرفته باشد.^۳

دو امامیه

این دگردیسی در معنای عقل بار بار بسیاری از حجت‌های دینی چون معجزات و کرامات امامان از سوی متکلمان بزرگ شیعه بعد از شیخ مفید همراه شد تا بدانجا که شریف مرتضی و شیخ طوسی به‌طور کلی احادیث باطنی و غیبی امامان را در آثار کلینی و نعمانی (متوفی ۳۴۵ هـ) رد کردند. این دگردیسی البته به اختلاف در میان همراهان امام صادق (ع) پیرامون مسائل کلامی بازمی‌گردد. آقای امیرمعزی به چندین حدیث اشاره می‌کند که برحسب آن، امامان به مخالفت با عقل‌گرایی شاگردان خود پرداخته‌اند. این مقاومت در برابر استدلال عقلی (قیاس، رأی، اجتهاد) در شیعه‌ی آغازین، به‌زعم نویسنده‌ی کتاب، موجب غلبه‌ی باطن‌گرایی و اخباری‌گری در مکتب قم شد. البته دکتر امیرمعزی تذکر می‌دهد که اخباریون همواره باطن‌گرا نبودند، همانطور که اصولیون همیشه ظاهرگرا نبودند. به‌هر حال، بعد از شیخ مفید عقل‌گرایی کلامی در مکتب بغداد غلبه یافت.

در ادامه، یک بررسی مقایسه‌ای آثار متقدم احادیث شیعه در موضوع کرامات و علم مافوق طبیعی امامان و نیز آرای امامان درباره‌ی قرآن ارائه شده است. «بصائر الدرجات فی المقامات و فضائل اهل البیت علیهم الصلو» اثر صفار قمی به عنوان قدیمی‌ترین منبع احادیث شیعه، «اصول کافی» کلینی و برخی آثار ابن بابویه (شیخ صدوق)، شیخ مفید و شریف مرتضی از جمله این آثارند. در این بررسی شاهد نوعی محافظه‌کاری فزاینده در روایت احادیث مناقشه‌برانگیز به ترتیب زمانی انتشار آن‌ها، نویسنده‌ی کتاب سپس به جزئیات کلیه منابع پژوهش خود می‌پردازد که در آن، منابع دست دوم تفکیک شده‌اند. جالب توجه است که آثاری چون «صحیفه‌ی سجادیه» و «تهج‌البلاغه» در زمره‌ی آثار دست دومی قرار می‌گیرند که اعتبار آنها مورد تردید است (منابع پژوهش‌های مرتبط در کتاب ذکر شده است). در پایان فصل نیز، نویسنده به اعتبار احادیث شیعه و عدم ضرورت علم حدیث در مکتب امامیه می‌پردازد. به‌زعم ایشان، معصوم بودن امام نزد شیعیان و نیز مخالفت با اهل سنت، دلایلی بر صحت و اعتبار مجموعه احادیث شیعه است.

برتری ایمان بر ظاهر دین

فصل دوم کتاب یکی از سه بخش جهان‌شناسی «امام» در مکتب دوازده‌امامی است که به وجود ازلی و قدیم امام تا لحظه‌ی آفرینش مادی او اختصاص دارد. برحسب احادیث شیعه، امام در ازل و به روایتی چندین هزار سال پیش از جهان آفرینش خلق شده است. بنا بر حدیثی از امام صادق (ع) دو نور از خداوند در ناکجایی بنام «ام‌الکتاب» صادر می‌شوند، یکی نور محمد(ص) و دیگری نور علی(ع)، نخست نور ظاهر و دیگری نور باطن. بنا بر احادیثی دیگر، به گزارش آقای امیرمعزی، نور نخست، نور پنج تن «اهل‌الکساء» یا نور چهارده معصوم است و نور دوم تنها نور امام علی(ع) است. بعد از آن، سایه‌ها و ذرات فرشتگان و انبیاء و مومنان شکل می‌گیرند سپس مرحله‌ی پیمان با خداوند است که طی آن پیامبران و امامان به پروردگاری خداوند شهادت می‌دهند. در این مرحله است که نیروی بصیرت به انبیا و امامان اعطا می‌شود. در اینجا مجموعه احادیثی وجود دارند که به تقسیم‌بندی موجودات و انسان‌های وفادار به ولایت امامان و غیروفادار به آنها پرداخته‌اند. «اصحاب‌یمین» سوگند «ولایت» را ادا کرده‌اند اما اصحاب شمال «ولایت» پیامبران و امامان، یعنی باطن دین را درک نکرده‌اند. نکته‌ی قابل توجه، به‌زعم نویسنده‌ی کتاب، برتری معنای «ایمان» بر «اسلام» به‌عنوان پیروی از ظاهر شریعت و فصل ممیز انسان‌ها پیش از آفرینش مادی است. در پایان فصل نیز به انعقاد نطفه و تولد امامان و ویژگی‌های خارق‌العاده‌ی آنها در آینده احادیث شیعه پرداخته شده است.

ولایت امام و حکومت

اما شاید مناقشه‌برانگیزترین فصل کتاب، فصل سوم، یعنی بخش دوم هستی‌شناسی

قرآن کامل

اما یکی از موضوعاتی که دکتر امیرمعزی بعداً در بخشی جداگانه از پژوهش‌هایش به‌طور تفصیلی و جداگانه پرداخته است، قرآن پژوهشی از چشم‌انداز شیعه‌شناسی است. این موضوع بخشی از فصل سوم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. عبارت *Coran intégral* در این فصل، به‌معنای «قرآن کامل»، اشاره به قرآن مصحف علی (ع) دارد که نزد امامان شیعه محفوظ است و حجم بالغ بر سه برابر حجم قرآن رسمی کنونی است. برخی از آیات قرآن به روایت شیعه، در برخی متون حدیث شیعه آمده است، چیزی که به‌زعم برخی شیعیان ناشی از «تحریف» قرآن «اصلی» است. دکتر امیرمعزی به نخستین کوشش‌ها برای بررسی بخش‌های اسرارآمیز قرآن «گم‌شده» در مقاله‌ی *Mirzâ Alexandre Kazem-Beg* در ۱۸۴۲ و نیز مقاله‌ی *Garcin de Tassy* در ۱۸۴۳ اشاره می‌کند. در این دو مقاله متن سوره‌ای با عنوان «النورین» یعنی «نور» آمده است. بعداً توسط اسلام‌شناس دیگری، سوره‌ای با نام «لولایه» در نشریه‌ی *The Moslem World* منتشر شد. این آغاز پژوهشی درباره‌ی نسخه‌های دیگر قرآن علاوه بر مصحف عثمان گردید. دکتر امیرمعزی با استناد به احادیث متعدد در «بصائر الدرجات» و «اصول کافی» سندیت این ادعا را در چارچوب مجموعه‌ی حدیث شیعه خاطر نشان می‌کند. سپس نویسنده ملاحظاتی تاریخی و اعتقادی درباره‌ی قرآن امامان و چرایی پذیرش قرآن مصحف عثمان می‌آورد. آقای معزی بر این باور است که شیخ صدوق (ابن بابویه) نخستین مؤلف بزرگ شیعه است که موضعی مشابه اهل سنت اتخاذ می‌کند و قرآن مصحف عثمان را همان قرآن علی (ع) می‌داند. ابن بابویه با اینکه به سنت گریبان شیعه نزدیک است، اما نظر متفاوتی با صفار قمی، نعمانی، سیاری و کلینی در این مورد دارد. نویسنده به دلایل احتمالی فشار در آن دوران برای مسکوت گذاشتن این موضوع قائل است. دکتر امیرمعزی در مقالات متعدد و دو کتاب مستقل به موضوع قرآن پرداخته است. کتاب *Revelation and Falsification* (لایدن، ۲۰۱۰) با همکاری اتان کولبرگ که در واقع نسخه‌ی انتقادی «کتاب القرائه» احمد بن محمد سیاری است و دیگری کتاب *Le Coran parlant et le Coran silencieux* (قرآن ناطق و قرآن صامت، پاریس ۲۰۱۱) دو اثر از ایشان در این زمینه است. مقاله‌ی «شیخ مفید و مسأله‌ی تحریف قرآن» نیز پژوهشی تازه است که در مجموعه مقالات *Controverses sur les écritures canoniques de l'Islam* (۲۰۱۴) زیر نظر ایشان و پروفسور دانیل دو سمت منتشر شده است.

نجات‌شناسی و پایان

و در نهایت، فصل آخر کتاب به وجود ابدی امام پس از قیام امام غایب اختصاص دارد. در این فصل به روایاتی از غیبت امام دوازدهم و جزئیات آن اشاره شده است. بخش پایانی فصل به ابعاد باطنی بازگشت امام زمان (عج) و نشانه‌های بازگشت موعود به‌عنوان یکی از مسائل عمده‌ی نجات‌شناسی شیعه‌ی امامیه پرداخته است. در بخش نتیجه‌گیری، علاوه بر اهمیت باطنی‌گرایی در شیعه‌ی امامیه‌ی آغازین، چند ملاحظه‌ی کلیدی آمده است، از جمله مفهوم مناقشه‌برانگیز «تقیه». آقای امیرمعزی اعتقاد دارد این مفهوم اغلب خلاف معنای اصلی آن فهمیده شده است. تقیه در شیعه تنها «نه دهم» یعنی بخش عمده‌ی دین را در برمی‌گیرد، بلکه شامل فقط تعالیم دین و عدم اشاعه‌ی آنها برای جلوگیری از حمله‌ی اهل شیطان می‌شود و عمده‌ی پیوند آن بر تقدس تعالیم الهی است. این چیزی جز معنای دیگر دین باطنی در اندیشه‌ی شیعه نیست ■

پی‌نوشت‌ها:

1. *Le Guide divin dans le shi'isme originel. Aux sources de l'ésothérisme en Islam*, éd. Verdier, collection Islam Spirituel, Paris-Lagrasse, 1992.

2. *The Divine Guide in Early Shi'ism. The Sources of Esotericism in Islam*, State University of New York Press, Albany-New York, 1994) (2e édition : 2007).

۳. باید به این نکته هم‌چنان اشاره کرد که آقای امیرمعزی برای تمامی ادعاهای خود منابع پرشمار با وسواسی منحصربه‌فرد ارائه می‌کند، به‌طوری که گاه برخی منابع برای اثبات ادعا بیش از تعداد لازم به‌نظر می‌رسند. به‌طور کلی، روش پژوهش ایشان برخلاف برخی اسلام‌شناسان، مبتنی بر منابع است تا تعمیم‌های نظری و فراتاریخی. به‌همین دلیل، خواننده با ارجاع‌های پی‌درپی به‌نحو قانع‌کننده‌ای از کشفیات نویسنده اطمینان حاصل می‌کند.

امام، وجود کنونی و ظاهری در زمان حیات عرفی باشد، به‌ویژه آنکه پروفسور امیرمعزی در این فصل روایت‌های متفاوتی از نقش اجتماعی-سیاسی امامان و نیز نگاهی متفاوت به قرآن ارائه می‌دهد که مغایر با اسلام «ارتودوکس» اهل تسنن و البته برخی از زعمای مکتب شیعه‌ی امامیه است. اصل ادعای آقای امیرمعزی در بخش‌های نخستین فصل «وجود امام» این است که شیعه‌ای که در احادیث قدیمی آن معرفی می‌شود، مدعی خلافت و زعامت سیاسی و حتی فقاہت نبوده است. ایشان در آغاز به سه نوع اشکال روش شناختی بر روایت فقهی-سیاسی تشیع اشاره می‌کند. نخستین اشکال ناشی از فرقه‌نگاران و نحله‌نویسان و برخی مبلغان اهل تسنن است که شیعه را به یک فرقه‌ی اسلامی تقلیل می‌دهند. دسته‌ی دیگر، برخی از متکلمان اهل تشیع‌اند که به تفاوت «شیعه‌ی متاخر کلامی-فقهی-عقلی» و شیعه‌ی امامیه‌ی باطنی توجهی ندارند. دوم اشکالاتی که از بدفهمی انواع شیعه، از جمله فعالان سیاسی زیدی و اسماعیلی و نیز وارثان امام حسن (ع)، نشأت می‌گیرند. و آخر، اشکالی که از ناآگاهی نسبت به تاخر «سیاسی شدن» شیعه در تاریخ آن ناشی می‌شود. به اعتقاد آقای امیرمعزی، پیامد اصلی این اشکال‌های روش‌شناختی، تقلیل دادن نقش امامان و مومنان شیعه به متکلم و فعال سیاسی است. ایشان تأکید می‌کند که در امامیه، «خداشناسی» بخش ذاتی «امام‌شناسی» است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن آن، به تعمیم‌های عقلی و من‌عندی دست زد.

دکتر امیرمعزی در ادامه به یک تقسیم‌بندی از چشم‌انداز سیاست‌ورزی امامان می‌پردازد، و البته تأکید می‌کند که هدف او از این باب، بررسی نسبت سیاست با حیات تاریخی امامان شیعه به‌عنوان بخشی از وجود بالفعل آنهاست. ایشان امامان را از این منظر به چهار دسته تقسیم می‌کند: آن دسته که مستقیم با سیاست درگیر بودند، دیگر آن دسته که دخالتی در سیاست نداشتند و سوم و چهارم، نمونه‌های ویژه‌ی امام حسین (ع) و حضرت مهدی (عج). در اینجا برای نمونه، به مورد امام سوم و امام غایب در این فصل اشاره می‌کنیم.

حادثه عاشورا

بنا بر باور نویسندگان، باید دقت روش‌شناسی خاصی را در بررسی رویدادهای منجر به عاشورا در نظر داشته باشیم. دکتر امیرمعزی می‌نویسد از چشم‌انداز تاریخی، هیچ سندی تأیید نمی‌کند که امام حسین (ع) قصد داشت به تقابل نظامی با حاکمان امویان عراق دست بزند. ایشان که تصمیم گرفته بودند با یزید اول بیعت نکنند، به کوفه دعوت شدند. به‌زعم نگارنده‌ی کتاب، ظاهراً پسرعموی امام حسین (ع)، مسلم بن عقیل بود که تصمیم گرفت به قیام نظامی اقدام کند. مسلم که از حمایت گسترده برخوردار نبود به‌سرعت شکست خورد. تقریباً یک هفته بعد، امام با احتیاط وارد عراق شدند. آقای امیرمعزی می‌نویسد به دلایلی که هنوز به‌طور کامل آشکار نشده، تمام تلاش‌ها برای مذاکره بی‌نتیجه ماند. به این ترتیب، او در روز دهم محرم ۶۱ هجری همراه یارانش به شکل فجیعی به شهادت رسیدند. نویسنده با ارائه‌ی یک رویکرد پدیدارشناختی، بر این باور است که شورش بودن امام سوم شیعیان به‌لحاظ اعتقادی نقش ایشان را در چارچوب امامیه پیچیده خواهد کرد. بنا بر احادیث امامان بعد از ایشان، هرگز اقدام او یک اقدام سیاسی تلقی نشد و آن رویداد به‌عنوان عمل «ولی» بنا به خواست «مولی» برای تحقق سرنوشتش تفسیر شده است. نویسنده به چند حدیث امامی اشاره می‌کند که بنا بر آنها، اراده‌ی الهی از پیش سرنوشت ایشان را رقم زده بود.

امام قائم

در بررسی وجه سیاسی حضرت مهدی (عج)، دکتر امیرمعزی به احادیثی اشاره می‌کند که در باب «طلب الرئاسة» کتاب «الایمان و الکفر» در «اصول کافی» درباره‌ی موضوع حکومت آمده است. برای نمونه امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید «آنکه در پی حکومت (الرئاسه) است گمراه می‌شود، آنکه در آرزوی حکومت است گمراه می‌گردد...» یا امام باقر (ع) در حدیثی دیگر می‌فرماید «ای ابوالربیع! بر حذر باش از اینکه در پی حکومت بر کسی از هر نوعی باشی...» نویسنده‌ی «راهنمای ربانی در شیعه‌ی آغازین» بر این باور است که بر اساس این احادیث و کلیت تعالیم امامان شیعه، تا هنگام بازگشت مهدی موعود (عج) هرگونه تلاش برای حاکمیت خیر محکوم به شکست خواهد بود و تمامی قدرت‌های سیاسی، فارغ از هر ایدئولوژی نیز غاصب و ظالم به‌شمار می‌روند. امامان شیعه بر این باورند که تفاهم میان قدرت معنوی و قدرت دنیوی بعد از وفات پیامبر پایان یافته است. بنابراین، تأسیس «آرمانشهر» تا ظهور حضرت منجی بر اساس تعالیم امامان ممتنع است. به‌زعم آقای امیرمعزی، معنای اصلی امام و نه کارکرد آن، در «علم» مقدس امام نهفته است. در ادامه‌ی فصل، انواع و منابع علم امام معرفی شده است.

کتاب مشهور امیرمعزی که ترجمه فارسی آن به‌زودی منتشر می‌شود

